

سیری در نخستین

روزنامه های ایران

نقصم

دکتر محمد اسماعیل رضوانی

روزنامه در پادشاهی مظفرالدین
شاه از سال ۱۳۱۶ هجری
معارف قمری ببعده برای نشر
تمدن و فرهنگ اروپا نهضت
عظیم و جنبش بی سابقه ای در
کشور بخصوص در تهران پیدا
شد. در این سال عده ای از
دانشمندان و روشنفکران
پایتخت دور هم جمع شدند و
برای بسط و توسعه فرهنگ نو
انجمنی بنام «انجمن معارف»
تشکیل دادند و برای پیشرفت
کار خود روزنامه ای بنام
«معارف» منتشر ساختند ریاست
عالیه انجمن را مرحوم
مظفرالدین شاه داشته و مرحوم
نیرالملک وزیر علوم و معارف
بنمایندگی شاه انجمن را اداره
می کرده است.

اینک متن فرمانی که در این خصوص صادر گردیده و در اولین شماره روزنامه مذکور چاپ شده در این جا نقل میشود:

«نیرالملک وزیر علوم و معارف - چون کار ایجاد مدارس و مکاتب ملیه و کتابخانه ملتی به فضل خدا و حسن اقدامات و مراقبات شما و اجزاء انجمن معارف پیشرفت کامل حاصل نموده و موجب خرسندی خاطر ما گردیده است و امیدواریم انشاء الله روز بروز بهتر و کامل تر شود و از طرف ما باید مراقبت و توجه مخصوص در این باب بشود و در حقیقت ریاست این اداره و مجلس حق شخص همایون ماست لهذا شما را که شخص مجرب کافی و دولتخواه و بی غرض و از اوضاع داخله و خارجه کاملاً بااطلاع هستید از جانب خودمان مخصوصاً مأموریت میدهیم که زائد اعلی ماسبق مراقبت کامله در انتظام امر مدارس و مکاتب و مجلس انجمن معارف و حفظ احترام اعضاء آن بعمل آورده و راپرتهای و عرایض و مستدعیات انجمن را که راجع به امر مدارس ملیه و کتابخانه ملتی و صندوق انجمن است به اطلاع جناب مستطاب اشرف صدراعظم بدون تأخیر بعرض برسانید و احکام لازم را بهر طور صلاح بدانید صادر و مجری نمائید که ما شخص شما را در امورات مزبوره مسئول می دانیم لاغیر شهر رجب المرجب ۱۳۱۶»

از روزنامه معارف هر ماهی دو شماره انتشار می یافته و علی الظاهر دو سال و دو ماه دوام داشته و مجموعاً ۷۲ شماره منتشر شده است.

صاحب امتیاز روزنامه، انجمن معارف بوده و وسیله مرحوم محمود - مفتاح الملک اداره می شده است نخستین شماره آن در اول ماه شعبان سال ۱۳۱۶ و شماره ۷۲ که شاید آخرین شماره باشد در ۲۴ ماه شوال ۱۳۱۸ انتشار یافته است.

اینکه شماره ۷۲ با تردید آخرین شماره تلقی شد برای این است که مرحوم مفتاح الملک در شماره هفتاد و یک که در پانزدهم شوال ۱۳۱۸ منتشر شده بعلم «لاوصول ماندن مبالغی از وجوهات اعانه که ارباب همم عالیه متقبل شده بوده و نداده اند» و به سبب «ازدیاد بغض و نفاق و عداوت و حسد جمعی دیوسیرتان باغرض و دون همتان با مرض که جز بهوی و هوس سخنی نگویند و بدون بغض و حسد قدمی نپویند و همواره به اقتضای خبائثت نفس در فراهم

آوردن اسباب خرابی دین و دولت و ملک و ملت می کوشند و کیفری به سزا نمی بینند» فایده‌ای ندیده و غیر از ضرر و خسارت نتیجه‌ای نگرفته استعفا کرده است معذالك تقبل کرده که تا آخر شوال بخدمات خود ادامه دهد و در این مدت شماره ۷۲ را نیز منتشر کرده است از آن بی‌بعد علی‌الظاهر کسی پیدا نشده که روزنامه‌ها سرپرستی کند و این انجمن عزیز و مفید نیز از بین رفته و از سر نوشت مدارس متعددی که انجمن برپاساخته نیز خبری در دست نیست و آنچه نگارنده کوشیده است به شماره دیگری از این روزنامه دست نیافته است. بنا بر این نظر آقای محمد صدر هاشمی که مینویسد «روزنامه معارف مدت چند سال بیک سبک و قطع انتشار یافته»^۱ آمیخته با تردید است و ادوارد برون که سال انتشار آن را ۱۳۱۷ دانسته اشتباه کرده است.^۲

منظور از انتشار روزنامه بطوریکه در شماره اول و شماره ۶۶ بیان شده «انتشار و اشاعه امر مکاتب و مدارس مایه مظفریه و مسائل دایره باین فقره بوده و هست که موجب تربیت و ترقی ابناء ملت و اسباب آبادی مملکت و مایه حیات ایران و ایرانیان گردد»

برای تدوین تاریخ فرهنگ جدید ایران و وقوف بر اوضاع فرهنگ در عهد مظفرالدین شاه سندی گرانبها تر و مهمتر و پربهره تر از این روزنامه در دست نیست محال است کسی بتواند بدون در دست داشتن این روزنامه فصول مربوط به اوایل تاریخ فرهنگ جدید ایران را تدوین نماید.

این روزنامه فاقد مباحث اجتماعی و سیاسی است و تقریباً تمام اخبار آن مربوط به جشنهایی است که در مدارس برپا می شده یا شرح جلسات امتحانی است که در مدارس صورت می گرفته یا خبر دیدار مردان بزرگ از دبستانها بوده است. که هائیکه نیکوکاران دبستانها می کرده اند به دقت نوشته می شده و اعانه‌هایی که می داده اند برای اطلاع عموم درج میگردیده است.

اینک دو خبر از شماره ۳۷ سال دوم یکشنبه اول ماه ذیحجه ۱۳۱۷:

۱ - تاریخ جراید و مجلات ایران جلد ۴ ص ۲۲۲

۲ - تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران تألیف ادوارد برون و محمد علی آریبیت جلد ۳ ص ۸۸

اعانه بدبستان افتتاحیه : حاجی آقا محمد معین التجار بوشهر که از جمله غیرتمندان مملکت و طالبان تربیت ابناء ملت است چند روز قبل بمدرسه افتتاحیه آمده و وضع و ترتیب شاگردان مجانی آنجا و ترقیات ایشان را در این قلیل مدت در تحصیل خط و سواد فارسی و قرائت قرآن مجید و مسائل شرعیه و علم جغرافی و حساب و مشق خط و سیاق معاینه نموده زایدالوصف مسرور گردید و مبلغ بیست تومان بعنوان اعانه برای مصارف مکتب مزبور نیاز کرد .

ایضا

حاجی کریم دادخان معزز الملک که از اعظام واعیان بجنورد است روزی از درب مدرسه افتتاحیه عبور می نمود بمقتضای حسن نیت وارد مدرسه شده و مبلغ دو تومان بعنوان اعانه استمراری سالیانه برای مصارف تحریرات سادات از شاگردان مکتب مزبور بذل نمود .

بد نیست صورت اسامی معلمین مدرسه علمیه را در سال ۱۳۱۷ از شماره ۳۹ روزنامه در این جا نقل کنیم و برای آنان که تنی چند بعدها از رجال بزرگ و دوست داشتنی شدند طلب آموزش و مغفرت نمائیم : شمس العلماء معلم ادبیات ، حاج شیخ حمزه معلم صرف و نحو ، شمس الکتاب معلم مشق ، میرزا عبدالجواد معلم عربی ، مؤدب الدوله معلم فرانسه ، اسداله میرزا معلم ریاضی ، میرزا سید ولی اله خان معلم ریاضی میرزا حبیب اله خان و میرزا نصراله خان معلمین فرانسه ، حاجی اسماعیل آقا میرزا عبدالعظیم خان میرزا عبدالرحیم خان میرزا معصوم خان میرزا علی اکبر معلمین و معاونین فارسی .

از مطالب بسیار جالب و خواندنی این روزنامه نظامنامه دبستانهایی است که بی دربی افتتاح می شده و هر دبستان نظامنامه مخصوص بخود داشته است . اینک برای نمونه آئین نامه تنبیهات مدرسه لقمه نیه تبریز از شماره ۳۲ سال دوم یکشنبه دهم ماه شوال ۱۳۱۷ در اینجا نقل میشود^۱.

۱- مدرسه لقمه نیه در سال ۱۳۱۷ هجری بفرمان محمد علی میرزا ولیمهد بسرپرستی لقمان - الملک امیر تومان حکیم پاشی مخصوص حضور و بریاست ادیب الامالک در تبریز تأسیس شده است.

«تنبيه وسياست شاگردان مدرسه چوب زدن و ناسزا گفتن نيست بلکه از قرار مشروعات و حدود مندرجه ذيل بتوسط مدرسه از آنها بمقتضای درجه استحقاق تأديب بعمل خواهد آمد .

۱- موافق تعيين ساعات از يک ربع الی يک ساعت در حضور تمام شاگردان در صف آخرين زير دست همه آنها ايستاده بدون تکلم و حرکت سر خود را پائين بيندازد.

۲- وقت مرخصی شاگردان دم در بایستد و بهر يك از آنها بگوید «خجالت مرا بس است انشاءاله فورا غيرتمندانه درس خواهم خواند»

۳ - بعلاوه درس گذشته يك درس ديگري هم باوتحميل کرده و در موقع تحویل هر دورا پس ميگیرند

۴- از جلو همه شاگردان به آرامی بگذرد و همه او را ملامت و سرزنش نمایند .

۵- ناهار او منحصر بنان خالی و آب باشد

۶- لوحه ای در اطاق درس نصب کرده اند اسم او را باخط جلی به تنبلی و کم غیرتی خواهند نوشت

۷- کتاب درس هر شاگردی که نمره خیلی خوب داشته باشد از اطاق درس برداشته مثل نوکر عقب سراو افتاده تادم در مدرسه برده تحویل نماید.

۸- در فاصله هر درسی که شاگردان ده دقیقه آزاد هستند او مثل قراول دم در اطاق بيحرکت بایستد

۹- کفش شاگردان اطاق خود را خوب پاک کرده پيش پای آنها جفت نماید

۱۰- کاغذی به اسم (تنبیل) به کلاه ياسينه اودر وقت آزادی می چسبانند که تمام اهل مدرسه به بينند»

در این روزنامه مقالات علمی و ادبی از جمله «شرح احوال مشاهير از حکماء متألهين که قبل از ظهور اسلام علم علم برسر عالميان برافراشته اند» و مقاله ای در «باب زمين و کواکب» و مقاله ای «در باب هوا» و مقاله ای «در باب آبها» و مقاله ای «در باب آتش» و مقاله ای «در بيان ساختن عمارت و خانه و مطالب

متعلقه بآن» و مقاله ای «در باب احجار» و همچنین «آهک و سیمان» و غیره درج
میشده است

در این روزنامه بندرت آگهی هائی هم دیده میشود، از جمله آگهی ذیل است
که از شماره ۵۶ دهم ماه جمادی الثانیه ۱۳۱۸ صفحه ۴ نقل میشود.

«اعلان : يك قطعه باغ مشجر كه تقريباسی و پنجهزار ذرع است و خیلی خوب
و باسلیقه و بطرز جدید و مرغوب قطعه بندی شده و خیا بانها همه جا کالسکه روو
با اشجار سه چهار ساله است ملکی ناصر دیوان و متصل به دروازه جدید شهیران
واقع در خیابان معین محاذی پارک جناب . . . حاجی امین الدوله بفروش
می رسند هر کس طالب باشد قیمت آن از قرار زرعی ۲ ریال است» (عکس شماره ۱)

روزنامه این روزنامه در هندوستان منتشر می شده مالک و مدیر

سید الاخبار روزنامه آفاسید آقای شیرازی نام داشته شماره اول آن در

چهارم ربیع الآخر سال ۱۳۰۶ هجری انتشار یافته اشکل و هیئت روزنامه و مطالب
همانست که در تصویر آن مشاهده میشود متأسفانه از این روزنامه بیش از سه
شماره در دست نگارنده نیست و بنا بر این قضاوت درباره آن با مطالعه شماره های
محدود بسیار مشکل است مرحوم برون می نویسد «مقالات مهم سیاسی راجع بایران
و روسیه تزاری را از مطبوعات انگلستان ترجمه و منتشر می ساخت و بطور کلی
علیه روسیه تزاری و طرجهای آن راجع بایران قلمفرسائی می کرد» و همچنین
مستغرق مذکور مزده میدهد که «ضمن مطبوعات متناوب (روزنامه ها و مجلات)
موجود در بریتیش موزیم بنشان مخصوص ۷۵۷ ام، آی، سی و پنچ شماره از
سید الاخبار موجود است» معلوم نیست روزنامه مذکور تا چه زمانی انتشار یافته
و از سرنوشت آن خبری در دست نیست با توجه بشرحی که در شماره های
قبل راجع به روزنامه کوکب ناصری و حبل المتین گفته شد پیدا است
که زبان فارسی در آن روزها در نقاط مختلف هندوستان رواج فوق العاده ای
داشته بطوری که لااقل پنج روزنامه بزبان فارسی در آن مرزوبوم منتشر میشده
است زیرا ادوارد برون در ضمن بیان محتویات سید الاخبار از روزنامه دیگری

بنام «آزاده» نام میبرد که در دهلی انتشار داشته و اکنون هیچگونه اطلاعی از آن وجود ندارد. و نیز در تاریخ جراید و مجلات ایران شرحی از روزنامهٔ مفتاح‌الظفر است که در کلکته چاپ می‌شده است. بهر حال روزنامهٔ سیدالاکبر هفته‌ای یک شماره در ۸ صفحه روزهای شنبه طبع و نشر میگردیده است. اینک یک خبر عبرت‌انگیز که برای ضبط در تاریخ استعمار هندوستان بسیار گرانهاست از شماره ۲۱ صفحه ۵ ستون ۳ همین شماره‌ای که تصویر آن آمده است نقل میشود:

«حکایات عبرت‌انگیز - پیوسته در خصوص فقر و فاقه و مسکنت اولاد بهادر شاه که آخرین پادشاه مغول در دهلی بوده است عرایض بحکومت پنجاب می‌رسد یکی از آنها که بتاج و تخت نزدیک است دکان صحافی دارد و تا حال به جلدبندی کتاب گذران نموده الحال که چشم او از قوت افتاده و پر پیر و شکسته شده است لهذا دپتی کامیشنر دهلی سفارش نوشته است بحکومت هند که چیزی بطور پنهان یا مستمری به او عنایت شود» مدیر روزنامه پس از درج خبر مذکور چنین اظهار عقیده می‌کند:

«نظر به فتوت و مروت اولیای دولت بهیهٔ انگریز که همیشه رعیت خرد را عزیز می‌دارند خیلی محل تعجب است با پادشاهزادگان اینچورسلوک نمایند که این بیچاره بزرگزاده قادر بر معیشت خود نباشد»

اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک
از این گناه که نفعی رسد بغیر چه باک

احتمال دارد که اولیای دولت بهیه خبر از حالت این شخص مزبور نداشته‌اند والا نظر بمرور و انصاف نمی‌گذاشتند که کارش به اینجاها برسد - فقط».

شگفت اینست که آگهی‌های تجار تی در حاشیه صفحه‌ها چاپ می‌شده و بنابراین مانند کتب قدیمی حاشیهٔ صفحه‌ها پر است از نوشته. مقاله‌ها و اخبار این روزنامه نیز پر است از اصطلاحات و کلمات انگلیسی و بنابراین تا کسی بر زبان انگلیسی تسلط نداشته باشد خوبی نمیتواند از مطالعهٔ آن بهره‌ور گردد. قسمت عمدهٔ مطالب روزنامه اخبار جهان است که از روزنامه‌های مختلف انگلیسی ترجمه

میشده است اینك يك خبر از شماره ۲۳ ص ۵ منتشره در ۱۱ ماه رمضان ۱۳۰۶ هجری قمری :

« **روانگی شاه حمجاه ایران به ملک فرنگ** - ۲۹ اپریل یعنی چندروز قبل در بمبئی گزت درج بود (و معلوم نبود که تلگراف رسیده یا بنحو دیگری) که در روز ۱۳ ماه حال شاه ایران روانه تبریز شد از آنجا می رود به تفلیس و مسکو و سنت پیترزبرگ و شش روز در پایتخت مهمان امپراطور است پس از طریق خشکی می رود به ورسا و برلن و هالند و آخر الامر به انگلند در ماه جون، و در آن جا اقامت می کند ۲۵ روز، در مراجعت پاریس و سویترلند و قسطنطنیه را دیده در ماه سپتر وارد طهران میشود، همراهیان شاه چهل کس هستند مع صدراعظم و اعظم اراکین دولت ولی هیچیک از فرزندانش در این سفر همراه نیستند. » (عکس شماره ۲)

روزنامه دانش - این روزنامه هنگامی که علیقلیخان مخبرالدوله وزیر علوم و معارف و رئیس مدرسه دارالفنون بوده منتشر کرده است شماره اول آن در ۲۳ رجب ۱۲۹۹ و آخرین شماره اش در شانزدهم ماه صفر ۱۳۰۰ انتشار یافته و مجموعاً چهارده شماره منتشر شده است. تمام اخبار و مطالب آن مربوط به اخبار و مقالات علمی است این روزنامه بطور مجانی و بمنظور نشر دانش های نو بین مردم توزیع میشده است

اینك يك خبر از شماره ۱۳ منتشره در اول ماه صفر ۱۳۰۰ :

« اکنون از یمین تربیت اعلی حضرت قدر قدرت همایون شاهنشاه اسلام پناه روحنا فداء در بسیاری از ولایات و بلاد معظمه دولت علیه ایران اطباء با علم و عمل از مدرسه مبارکه دارالفنون مأمور خدمات دولتی و ملی می باشند و عموم ناس از ایشان بهره مند میشوند و در حفظ صحت اهالی آن بلاد مراقبت تامه بعمل می آورند از آنجمله از ساری نوشته بودند در این ایام يك طفل و يك مرد از استرآباد مخصوصاً به استعلاج آمده بودند و میرزا محمد تفرشی طبیب حافظ الصحه که از تربیت یافتگان مدرسه مبارکه است در کمال استادی سنگ مثانه آنها را بیرون آورده است و آن مرد صاحب پنج سنگ منفصل بوده و آن طفل يك سنگ بسیار بزرگی داشته که وزناً يك سیر شده است

(محمد کاظم بن احمد)

يك نسخه از دواى كچلى از شماره ۱۴ روزنامه: «بگیرند كرنات دو كوئیور يك مثقال، كره بی نمك ۰.۴ مثقال مخلوط نموده شبانه روزی دوسه مرتبه محل مأوفرا تمریخ نمایند و قبل از شروع به استعمال دوا باید اولاموهای موضع معلول را مقراض نموده و از پخته سیب زمینی یکشبهانه روز قبل از تمریخ ضما د کرده و هر شش ساعت یکمرتبه ضما د را عوض نمود و پس از آن طفل را بحمام برده سر را با صابون بشویند تا فلسهای منجمده از روی جراحی برداشته شود و بعد از خروج از حمام روغن را تمریخ نمایند و کسیکه روغن را می مالد بعد از فراغت دست خود را با صابون بشوید و بفاصله هریك یادروز حمام و شست و شوی را تکرار کنند»

نسخه فوق را میرزا نصر اله تنکابنی طبیب ناصر الدین شاه به اداره روزنامه فرستاده و نوشته است «این نسخه مجرب بدون تخلف سالهاست بتجربه صحیحه اینغلام خان نواز دولت ابد مدت و چا کر آستان ملایك پاسبان نصر اله طبیب رسیده و مرضای بسیاری بدون استثنا از استعمال این دوا بشفای تام نائل شده اند» (عکس شماره ۳)

روزنامه
فارس
 در تاریخ جراید و مجلات ایران تالیف صدر هاشمی از این روزنامه نامی برده نشده ولی در تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران شرح نسبتا مبسوطی آمده است. نخستین شماره آن روز یکشنبه ۲۵ جمادی - الثانی ۱۲۸۹ هجری قمری منتشر شده و معلوم نیست تا چه زمانی انتشار یافته است. همانطوری که ملاحظه میشود عنوان بخط درشت چاپ گردیده و خواننده میشود «المنطبعة فی الفارس ۱۲۸۹»^۱ این روزنامه بطور قطع شعبه ای از روزنامه فرهنگ اصفهان یا دنباله آن بوده که شرح آن در شماره ۲ مجله گذشت زیرا اولاً در حکومت ظل السلطان بر فارس منتشر شده ثانیاً هیئت و شکل آن همانند روزنامه فرهنگ اصفهان است ثالثاً رئیس و منشی روزنامه فارس همان میرزا تقی حکیمباشی طبیب ظل السلطان و منشی فرهنگ اصفهان

۱ آقای رضا صالح زاده مترجم جلد سوم تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران که بر روزنامه دسترسی نداشته انگلیسی عنوان را چنین ترجمه کرده است «چاپ شده در فارس»

بوده است اخبار آن نیز بسبک و روش روزنامه فرهنگ اصفهان تنظیم و درج
 میشده ولی قطع آن از فرهنگ اصفهان کوچک تراست
 در شماره های نخستین عین مطالب فارسی بزبان عربی نیز ترجمه میشده
 روزنامه حاوی شش صفحه بوده که سه صفحه آن فارسی و سه صفحه آن عربی
 بوده است و گفته اذوارد برون که مینویسد «این روزنامه درابتدای انتشار دارای
 هشت صفحه بوده است» صحیح نیست اینک يك آگهی کوچک بزبان فارسى
 و همان آگهی بزبان عربی «الاعلان» چون چنین مقرر شده است که سواى
 وزراء عظام و شاهزادگان واجب الاحترام برای هیچکس القاب ننویسند
 لهذا روزنامه نگار اصلا مورد ایراد نخواهد شد»

«الاعلان» لما تقرر ان لا تكتب الا لقب ل احد سوى الوزراء العظام و ابناء
 الماوك فليس لاحد ان يلوم الراقم والله هو العاصم^۱

قدت عمده مطالب این روزنامه اخبار فارس و سپس اخبار خارجه است
 مقالات علمی کم دارد از شماره ۱۱ ببعده فرمان حضرت علی بمالك اشتر
 ترجمه شده و دریاورقی مقالاتی علمی از منشی روزنامه و اشعاری که در مدح
 حضرت علی علیه السلام و ظل السلطان سروده شده درج گردیده است. در فواید
 عدالت و مساوات نیز مقاله مشروح و مفصلی در چند شماره دارد (شماره عکس ۴)

این روزنامه در بندر بوشهر به مدیریت مرحوم میرزا عبدالحمید خان
 متین السلطنه منتشر شده نخستین شماره آن در هفتم شوال ۱۳۱۹

مظفری هجری قمری انتشار یافته است شرح این روزنامه بطور مبسوط و مفصل
 در تاریخ و مجلات ایران آمده است ابتدا با چاپ سنگی و از سال چهارم ببعده
 با حروف سربی منتشر شده است و پیدا است که بندر بوشهر در آن روز کار رونق
 بیشتری داشته زیرا هم دارای مطبعه بوده و هم تعداد جمعیت و قدرت فرهنگی
 و مالی مردم متناسب برای انتشار روزنامه ای بوده است در طول انتشار از حیث
 قطع و شکل و رنگ کاغذ تغییراتی در آن داده شده است شماره های آن اکثراً
 ۱۶ صفحه دارد و معجون است از مطالب اعم از اخبار ایران و جهان و مطالب
 علمی و ادبی و بخصوص در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۳۳ هجری اخبار جنگ روس و

ژاپون را برای عبرت هموطنان بدقت درج میشده و تاریخ ترقیات ژاپون نگاشته میشده است برای نمونه قطعه‌ای از شماره ۵۷ سال سوم منتشره در پانزدهم آذر ۱۳۲۲ را در اینجا می‌آورد:

« نطق حکیم ژاپونی: ای ژاپونیان ای برادران وطن من ای کسانی که از تمام اقوام (آسیا) در دانش گوی سبقت ربوده‌اید آیا هیچ ملاحظه احتیاجات خود را کرده‌اید؟ آیا فکر نموده‌اید که تمام خزینه و ذخیره و مال و منال و ثروت و مکتب شما را ملل فرنك بقوه مغناطیسی دانائی جذب نموده و می‌نمایند؟ آیا هیچ تصور کرده‌اید که اهل فرنك مثل مرغی که دانه برچیند تمام طلا و نقره مملکت را برچیده و برمیچینند؟ آیا تصور نموده‌اید که چند نفر از فرنگیان از خارج آمده و اردخانه شمشاده اند و سبقت گرفته‌اند و نفوس نجیب شماها را بقوت لایموت نزد خود اجیر گذاشته از هر طرف آنچه پیدا مینمایند بقوت مغناطیسی و صرفت و حرکات جاذبه علم تجارت همه را میربایند؟ آیا هیچ خیال کرده‌اید که تمام صنایع قدیم ما را ملت فرنك برباد و صنعت های خود را رواج داده‌اند؟

دهسال قبل مردمان محتاج در میانه ما کم بود اینوقت کسیکه محتاج نباشد کم است دهسال قبل مردمان فقیر کاسب هم هر يك چهار پنج مثقال طلا داشتند اینوقت اغنیای ما هم ندارند. سابق بر این تمام اثاث البیت، به ده تومان و پنج تومان کامل می‌شد و پشت در پشت بکار می‌خورد امروزه اثاث البیت احقر و افقر ما از صد و پنجاه تومان کم نیست و در عرض دوسه سال نیست و نابود میشود. این رنگ آمیزیهای دانشمندان فرنگ است که اموال ما را غارت کنند ایکاش به این يك اکتفا می‌کردند ملل فرنگ را اراده بر آن است که ریشه ثروت مملکت ما را بدست آرند و از ماها مانند عبید خدمت بگیرند و نگذارند در شخص ما بلکه در ملک ما دولت جمع شود. ملاحظه نمینمائی پنبه ما را از مایکمن سه چهار قران می‌خرند آنهم با هزاران ناز، همان پنبه را به انواع و اقسام مختلف باز آورده بما ده بیست تومان بتفاوت عملیاتشان می‌فروشند آنهم با هزاران منت. دهسال قبل اینقدر مردمان بیکار در مملکت ما نبود و جرائم دزدی، فریب، دغا، بد معاملگی، خدعه، حيله و هزاران امثال اینها

به این پایه نمی شد علت تمام این مفاسد همان تخم احتیاج است که ملل فرنگ در هزاران نفوس جاهله ماکاشته روز بروز ریشه می دواند و ساعت به ساعت نشو و نما میکند»

از مطالعه همین يك مختصر پیدا است که این روزنامه سعی کافی در باز کردن اذهان هموطنان خود داشته است زیرا تصور نمی شود نطق فوق الذکر از يك حکیم ژاپنی بوده و یا اوضاع ژاپن در سال ۱۹۰۵ که روسیه را از پا در آورد وضعی منطبق بر این سخنرانی داشته است. گذشته از این، نحوه نگارش روزنامه مظفری نسبت به روزنامه هائی که تا کنون نام بردیم شیرین تر و کوبنده تر و شبیه تر به نثر کنونی بوده است بنابراین روزنامه مظفری از روزنامه های گرانبها و سودمند زمان خود بشمار می رفته است. (عکس شماره ۵)

روزنامه مریخ
و روزنامه نظامی
علمیه و ادبیه

شرح این روزنامه در شماره ۲ مجله بررسی های تاریخی ص ۱۷۴ گذشت. در آن هنگام اصل روزنامه در دسترس نگارنده نبود بنابراین کلیشه ای از آن دو منتشر نشد

اکنون که اولیای ارجمند مجله با سخاوت بی نظیری بدون پروا مخارج هر نوع کلیشه ای را تحمل می کنند دریغ آمدم که در این مقالات مسلسل که ضمن بیان هر روزنامه تصویر آن نیز آمده است این دوروزنامه مهم نظامی فاقد نمونه باشد بنابراین برای انجام همین منظور و برای رفع این يك نقص مجدداً تجدید مطلع می نمایم. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

قسمت عدده روزنامه مریخ اخبار نظامی بوده و مقالات آن نیز مربوط بامر نظام و ارتش بوده است .

برای اینکه نمونه ای از سبک نگارش این روزنامه به دست داده باشیم قسمتی از يك مقاله از همین شماره ای که تصویر آن آمده است نقل می کنیم و متأسفانه جز همین يك شماره در دست نگارنده نیست «در سوابق ایام طرز قشون و وضع جنگ تباین کلی با سبک حالیه داشته است. در آن زمان امید فتح و تصور نصرت فقط در تهور و شجاعت اشخاص بوده. لاکن حالا وضع جنگ بر شادت و تهور تنهان نیست بلکه علمی است مثل سایر علوم مشکله که تحصیل آنرا از اغلب علوم میتوان

گفت اصعب است اسلحه و آلات جنگ ممتاز که در کارخانه‌های دول فرنگ تعبیه کرده و هر آن بر تکمیل آن می‌افزایند اسلوب جنگ را کلیتاً با سابق تغییر داده است صاحب منصب قابل نه این است که شخص متهور بی‌باکی باشد در این وقت باید صاحب منصب هم رشید باشد هم عالم دیگر قشون چریک غیر منظم مثل سابق نمی‌تواند فتوحات نمایان نموده ممالک وسیعه را متصرف گردد. اگر طوایف مغول ازدشت ختا حرکت کرده با چندین هزار سوار چریک غیر منظم سلطنت مستقله خوارزمشاهیان را منقرض کردند و دولت پانصدساله خلفای عباسی را بهم زدند یا امیر تیمور گور کانی و بعد سلاطین صفویه و هم چنین افشاریه با عساکر چریک تصرفات و تغلبات نمودند نباید حمل بر آن کرد که حالا هم قشون چریک غیر منظم قابل این است که مصدر چنین فتوحات شود فتوحات طوایف مذکور را حمل بر بی‌قوتی و ضعف حال طرف مقابل باید کرد نه بر اینکه اعمال فاتحین آن زمان باید سر مشق حال ما باشد پس چیزی که لازم است در این زمان برای یک قشون منظم لیاقت و علم و تجربه صاحب منصب ثالثاً اسلحه ممتاز خوب هر قشونی که دارای این سه چیز باشد اگر عدد آنها بالنسبه بطرف مقابل کم باشد غلبه او بر خصم معین و میرهن است (عکس شماره ۶)

و اما اخبار روزنامه نظامی علمیه و ادبیه متنوع تر بوده و بهمین علت مورد ایراد روزنامه علمی قرار گرفته^۱ و پاسخ ذیل را در شماره ۹ شنبه ۲۶ محرم سال ۱۲۹۴ داده است :

«جواب روزنامه علمی - روزنامه علمی شماره ۶ بمانصیحت می‌کند» که امیدواریم یکی از دو کار اختیار فرمایند یا روزنامه خود را از قید اسم نظامی خارج و در سر لوح او شیر و خورشید و توپ و تفنگ و طبل و علم نکشند آنوقت از هر قبیل اخبار که بخواهند درج نمایند یا بعد از آنکه روزنامه نظامی شد و علامات نظامی و نشان رسمی دولت در سر لوح آن ترسیم گشت روزنامه را آزاد ندانسته نه اعلان حقه بازی کنند و نه تفصیل تجارت نفت و تریاک مرقوم دارند»

۱- شرح روزنامه علمی در شماره ۲ مجله بررسی‌های تاریخی، ص ۱۷ آمده است

دایره روزنامه علمی را با کمال احترام به این معنی ملتفت می کنیم که تعداد روزنامه در هر مملکت برای نشر و شیاع فواید و منافع عامه و اسباب ترقی و تمدن است و اگر بنظر دقت ملاحظه شود هر روزنامه بهر اسم و صورت همین مقصد عالی را بیان می کند. علاوه بر آن لفظ روزنامه مفید همین معنی است که اتفاقات ایام و اخبار و وقایع و هر گونه اعلانات و اختراعات جدید را درج و منتشر نماید عجب تر آنکه اگر رجوع بروزنامه نظامی فرماید که در عنوان روزنامه نوشته شده (روزنامه نظامی علمیه و ادبیه) ملاحظه خواهند فرمود که اشتهار آن بروزنامه نظامی تنها بتمقدم لفظ نظامی است چگونه از نظر محومی کنید روزنامه های سایر ممالک روی زمین را که از آنجمله است (مموریال دیپلماتیک) که تنها به امور و اخبار (دیپلماتیک) انحصار ندارد و (ژورنال دو دبا) که فقط از مباحث دولتی نمی گوید و (جریده عسکریه اسلامبول و روزنامه نظامی روسیه) که بعقیده اکثری بهترین روزنامه های آن سمت است تنها اخبار عسکریه نمی نویسند بلکه از هر قبیل اخبار و اعلان مندرج است پس بگوئیم که روزنامه علمی در این اعتراض حق خود را که حمایت و ترویج و انتشار معلومات است فراموش مینماید اما معلومات شیر و خورشید و توپ و تفنگ بخلاف تصور روزنامه نگار علمیه روزنامه ما را رسمیت نمی دهد چرا که قبول علامات دولتی تنها اشاره بدولت خواهی و ملت پرستی است و میتوان آن را زینت مکتوبات و مصنوعات خود قرارداد.

در تمام شماره های روزنامه قسمت اول (اخبار قشونی است) از مقاله های مهم این روزنامه تاریخ ناپلئون و شرح جنگهای او است.

متأسفانه مقالات علمی و تاریخی آن غالباً مستند نیست بطور مثال بنگرید در تاریخ اسلحه آتشی اختراع توپ را به چه زمان دوری رسانده است :

« یکی از مورخین قدیم یونان در تاریخ اسکندر که نهصد سال قبل از هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سلطنت داشت نوشته است که اسکندر بر طایفه اکسیدرا که حمله نمی کرد زیرا که بعقیده اهل آن زمان می گفتند رب النوعها بر این طایفه حمله را حرام کرده اند و هر کس بر آنها حمله کند آن رب النوعها

دشمنان آنها را بواسطه رعد و صاعقه که از حصار خودشان بر سر آنها می اندازند آنها را بر طرف مینمایند .

مسکن این طایفه در شمال هندوستان بود و واضح است موافق تعریفی که مورخ نوشته است این طایفه توپ داشته اند و سایر ملل را گمان این بود که صدا و آتش آن رعد و صاعقه است ، (عکس شماره ۷)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جهان تاریخ ، جهان پهناوری است، پهناورتر از آنکه به تصور درآید . پهنه‌ای است شامل تمامی مساحت کره که مظاهر گونه‌گون حیات بشر در آن تجلی کرده است . این پهنه بی‌انتهای چنانکه می‌بینیم روز-بروز وسیع‌تر می‌گردد و اگر تا کنون منحصر به کره خاکی بود ، حال بال و پر گشوده و فضای لایتناهی را جولانگاه خود ساخته است ، آزمایشگاه عظیمی است که نتایج کارهای بشر را می‌نماید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی